

هیل، ناپلئون، ۱۸۸۳ - ۱۹۷۰ م.

Hill, Napoleon

فریب دادن شیطان / نویسنده ناپلئون هیل؛ مترجم مهدی قراچه‌داغی؛ ویراستار سمانه عباسی.

تهران: نسل نواندیش، ۱۳۹۹.

۲۴۰ ص؛ ۲۱/۵×۱۴/۵ س.م.

۹۷۸-۶۲۲-۲۲۰-۶۸۸-۸

فیبا

عنوان اصلی: Outwitting the devil : the secret to freedom and success, c2011.

غلبه بر شیطان.

موفقیت -- جنبه‌های روان‌شناسی

Success -- Psychological aspects

موفقیت

Success

تفکر نوین

New thought

قراچه‌داغی، مهدی، ۱۳۲۶ - مترجم

عباسی، سمانه، ۱۳۶۳ - ویراستار

BF۶۳۷

۱۵۸/۱

۷۴۰۲۴۴۴

فریب دادن شیطان

نویسنده: ناپلئون هیل

مترجم: مهدی قراچه‌داغی

ویراستار: سمانه عباسی

بازخوان نهایی: الهام اصفهانی

صفحه‌آرا: افسانه حسن‌بیگی

ناشر: نسل نواندیش

شمارگان: ۵۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول

سال چاپ: ۱۴۰۰

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۲۰-۶۸۸-۸

ISBN: 978-622-220-688-8

کتاب‌های مورد نیاز خود را از فروشگاه انتشارات نسل نواندیش تهیه فرمایید.

نشانی فروشگاه نسل نواندیش: میدان ولیعصر - ابتدای کریمخان - پلاک ۳۰۸

تلفن: ۸۸۹۴۲۲۴۷ - ۹

www.naslenowandish.com

info@naslenowandish.com



NasleNowAndish

انتشارات نسل نواندیش

<https://telegram.me/naslenowandish>

فهرست

۹.....	یادداشت برای خوانندگان.....
۱۳.....	بیشگفتار.....
۱۵.....	فصل یک: ملاقات با اندرو کارنگی.....
۳۹.....	فصل دو: دنیای جدیدی در من جان می گیرد.....
۵۵.....	فصل سه: یک مصاحبه عجیب با شیطان.....
۷۱.....	فصل چهار: ادامه صحبت با شیطان.....
۹۳.....	فصل پنج: اعتراف ادامه دارد.....
۱۱۳.....	فصل شش: ریتم هینوتیزمی.....
۱۳۱.....	فصل هفت: بذرهایی ترس.....
۱۳۷.....	فصل هشت: قطعیت هدف.....
۱۴۷.....	فصل نه: آموزش و دین.....
۱۷۱.....	فصل ده: نظم و ترتیب شخصی.....
۱۸۷.....	فصل یازده: از مصائب و بدبختی درس بیاموزیم.....
۲۰۳.....	فصل دوازدهم: محیط، زمان، هماهنگی و احتیاط.....
۲۲۵.....	خلاصه.....
۲۳۳.....	مؤخره.....
۲۳۷.....	تعمق.....

یادداشت برای خوانندگان

به قلم

شارون لچتر

فَرِیب دادن شیطان عمیق‌ترین کتابی است که تاکنون خوانده‌ام.

قبل از هر چیز باید بگویم باعث افتخار من بود وقتی دُن گرین، مدیرعامل بنیاد ناپلئون هیل، به اندازه کافی به من اعتماد کرد و از من خواست در این پروژه سهم و نقش داشته باشم. پیش‌نویس کتاب را که خواندم یک هفته نتوانستم بخوابم.

ناپلئون هیل کتاب را در سال ۱۹۳۸ نوشت. دست‌نویس این کتاب را خانواده هیل به مدت ۷۲ سال پنهان کردند. چرا که زیرا از واکنشی که ایجاد می‌کرد واهمه داشتند. شجاعت ناپلئون هیل در نگارش درباره کار ابلیس در کلیساها، مدارس و سیاست‌های ما اساس جامعه آن زمان را تهدید می‌کرد.

وقتی سؤال شد که چرا خانواده هیل پیش‌نویس کتاب را پنهان کرده‌اند، دُن گرین به داستان زیر اشاره کرد:

پای اعتراضات همسر هیل، آنی لو در میان بود. او منشی دکتر ویلیام پلام جاکوبز رئیس کالج پرسبی‌تارین در شهر کلیتتون، کارولینای جنوبی بود. جاکوبز در ضمن مالک جاکوبز پرس و مشاور گروهی از مؤسسات پارچه‌بافی کارولینای جنوبی بود. جاکوبز از هیل دعوت کرد تا به کلیتتون بیاید و برای او کار کند. آنی لو نمی‌خواست به خاطر نقش ابلیس کتاب حاضر به چاپ برسد. او از واکنش مذهبیون می‌ترسید، گرچه هیل در سال ۱۹۷۰ مرد، آنی لو تا سال ۱۹۸۴ زنده

بود. با مرگ آنی لو نسخه خطی کتاب در اختیار دکتر چارلی جانسون که در آن زمان رئیس بنیاد ناپلئون هیل بود، قرار گرفت. چارلی برادرزاده آنی لو هیل بود. همسر چارلی، فرانکی با احساسات آنی لو آشنا بود. فرانکی به چارلی گفت مایل نیست تا روزی که زنده است نوشته نشر شود. همسر چارلی چند سال پیش مرد و خانواده چارلی نسخه خطی را در یک جلد چرمی قرمز رنگ گذاشتند و روی جلد عبارت «فریب دادن شیطان» را به خط زر کوب نوشتند و نوشته را به من دادند. بنیاد بر این باور است که نسخه خطی پیام مهمی دارد که باید با دیگران در میان گذاشته شود.

بعد از صحبت با دُن، من به نتیجه قدرتمندی رسیدم. این کتاب با آنکه در سال ۱۹۳۸ نوشته شده بود، مناسب چاپ شدن در این زمان بود تا جامعه ما را به آگاهی برساند. هدف این بود که این کتاب به بسیاری از مسائل و سؤالات مطرح زمانه جواب بدهد. این کتاب راهکارهایی در اختیار ما می‌گذارد تا شیطان موجود در زندگی ما را فریب دهیم. این کتاب به ما نشان می‌دهد که چگونه به موفقیت برسیم و به دنیای پیرامون خود چیزی بیفزاییم.

درست همان طور که کتاب بیندیشید و ثروتمند شوید به ما کمک کرد که بعد از کساد بزرگ به موفقیت برسیم، فریب دادن شیطان به ما کمک می‌کند در روزگار فعلی به موفقیت دست پیدا کنیم.

ممکن است بپرسید هیل بر این باور بود که صحبت کردن با شیطان حقیقی یا خیالی بود؟ انتخاب با شماست. اما من از دن گرین درباره اندیشه‌های هیل در کتاب‌های دیگرش سؤال کردم تا شاید به کتاب دیگری که در درون مغز هیل بود، پی ببریم. پاسخ دن از این قرار بود:

استفاده از صحبت‌های تصویری و خیالی برای هیل موضوع جدیدی نبود. در سال ۱۹۵۳ هیل کتابی با عنوان چگونه حقوق خود را افزایش دهیم نوشت. این کتاب دربارهٔ گفت‌وگوی هیل و کارنگی بود. هیل در واقع در سال ۱۹۰۸ با کارنگی گفت‌وگو کرده بود. کارنگی در سال ۱۹۱۹ مدت‌ها قبل از چاپ کتاب فوت کرد.

این اولین باری نبود که هیل از جلسات خیالی برای انتقال آنچه در حال نوشتنش بود، استفاده می‌کرد. در کتاب بیندیشید و ثروتمند شوید هیل در مبحث حس ششم دربارهٔ ملاقات خیالی با نه مردی که زندگی آن‌ها برایش بسیار مهم بود، مطالبی نوشت. اعضای شورای خیالی نه‌نفره عبارت بودند از امرسون، پین، ادیسون، داروین، لینکلن، ناپلئون، فورد و کارنگی.

هیل در کتاب بیندیشید و ثروتمند شوید نوشت که در خلال جلسه با این «مشاوران نامرئی» به این نتیجه رسید که ذهنش می‌تواند پذیرای نظرهای بیشتری باشد که وقتی حس ششمش فعال بود، به آن‌ها دست می‌یافت.

فریب دادن شیطان هرگز اولین باری نبود که او دربارهٔ مذهب مطالبی می‌نوشت. در واقع بعد از انتشار کتاب قانون موفقیت در سال ۱۹۳۸ او نامه‌هایی دال بر اعتراض به نوشته‌هایش دربارهٔ مدرسه و دین دریافت کرد. در کتاب بیندیشید و ثروتمند شوید در فصلی با عنوان «شش روح ترس» هیل نوشت که ترس از مرگ اغلب با دین رابطه دارد. هیل در کتاب اصلی خود مطالب فراوانی داشت که دربارهٔ رهبران دینی بیان کند.

هیل حتی در مجلهٔ قانون طلایی مطالب فراوانی داشت که در مورد دین بنویسد. هیل در مقاله‌ای با عنوان «پیشنهادهای به کشیش‌های انجیل» آن‌ها را به خاطر توصیه‌هایی که به پیروان خود می‌کردند، سرزنش کرد.